



تألیف : محمد ابراهیم واعظی

انتشارات : نغمه نو اندیش

معر شفايه :

واعظی، محمد ابراہیم - ۱۳۴۴

عنوان و نام پدیدآور:

ہند دہار آشنا/تالیف محمد ابراہیم واعظی

مشخصات نشر:

تہران: نغمہ خواندیش، ۱۳۹۱

مشخصات ظاهری:

۱۶۸ ص: مصور رنگی

شاید:

9VA-60-5892-25-6

وضعیت فهرست نویسی:

فہم

یادداشت :

کتابنامه

موضوع :

واعظی، محمد ابراہیم - ۱۳۴۴ - سفر ہا - ہند

موضوع :

سفرنامه های ایرانی - قرن ۱۴

موضوع :

هند- سفر و سیاحت

موضوع :

ہند-آثار تاریخی

رده بندی کنگره:

DSF12/2/9-1P 91391

رده بندی دیویمی :

915/2.252

شماره کتابشناسی ملی:

2000



یار آتسنا

تألیف: محمد ابراہیم واعظی

انتشارات : نغمہ نو اندیش

mavaezi.blogfa.com – Vaezi.me@gmail.com

طرح جلد: محمد خاکپور لیتوگرافی و چاپ: خلیج فارس ۰۷۱۱-۸۲۲۶۸۳۱

تیراڑ: ۲۰۰۰ جلد

ناشر: انتشارات نغمه نو اندیش ۰۲۱-۲۲۵۳۵۴۶۴

چاپ اول 1392
نغمہ نو اندیش

قیمت: ۱۶۰/۰۰۰ ریال

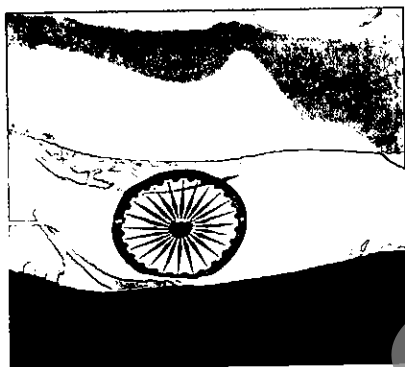
حق چاپ محفوظ است .

فهرست

۱	پیش گفتار
۸	مقدمه
۱۲	سرزمین عجائب
۲۱	پایتخت رنگین
۳۳	جای خالی تخت طاوس
۴۰	فقر و همت
۴۵	اسلام در دیار خدایان
۵۰	مسجد و بتکده
۵۸	موهنداس گاندی
۶۹	آب و عطش
۷۲	ساختار دولت
۷۴	مرتاضان هندی
۷۸	مغول و هند
۸۴	راهنمای تور
۸۶	آگرا شهر جواهر و ابریشم
۹۰	قند پارسی در بنگاله
۹۶	عجائب هشتم
۱۰۸	سنگ و نان
۱۱۳	جمع اضداد
۱۱۹	خدایان هند
۱۲۲	نظام طبقاتی
۱۲۸	فقر انرژی
۱۳۰	کاخ اکبرشاه

۱۳۳	 جیپور شهر صورتی
۱۳۶	 معابد هند
۱۴۱	 آئین هندو
۱۴۵	 رقص هندی
۱۴۷	 فیل و قلمه
۱۵۱	 حسرت آزادی
۱۵۳	 نظام آموزشی هند
۱۵۸	 گاندی آسوده بخواب
۱۶۳	 فهرست منابع

به نام آفریدگار قلم



پیش گفتار

نویسنده‌ی خوش گفتار «هند، دیار آشنا» بر این پندار است که آگاهی‌های مردم ما از کشوری که مشترکات فرهنگی فراوانی اعم از تاریخی، زبانی و ادبی با ایران عزیز ما دارد اندک و نارساست. نویسنده بحق، توانش آن را داشته که با کتابی که فاروی خوانندگان گشوده است، هند را به خوبی به آنان بشناساند. بی آن که هزینه و رنج سفر بر دوش کشند و راهی دیار هند شوند، او هند را به خانه‌ی ذهنشان می‌برد.

توصیف‌گری کار او در شگفتی‌های افسانه‌گون این سرزمین، آن گونه نبوده است که فقط در دلربایی‌های هند گل گشت بزند و تنها زیبایی‌ها را ستاره‌چینی و گل‌گزینی کند بلکه غول واقعیت‌های پلشت هند را هم به آیین خانه‌ی نوشتارش راه داده است.

با آن که زمان کوتاهی در آنجا بوده است با نگاهی دقیق و بینشی عمیق و موشکافی ای ظریف ، همه ی زیر و بم های اجتماعی ، سیاسی ، ادبی ، هنری ، تاریخی و فرهنگی قاره سان هند را به ما می نمایاند .

چون دلش می خواسته با چنته ی پراز مطالعات و پیش آگاهی های لازم به آنجا برود ، قبل از سفر به کنکاش مآخذ می پردازد ولی چون به خلاً منابع مواجه می شود در آنجا به کاوش عملی و پرسش از آگاهان محلی و کندوکاو عینی رو می آورد و برای رفع عطش پرسشگری هایش ، به صدها چشمه سر می زند و چه رو سپید از عهده ی این مهم بر می آید اینگونه است که عطر بکر نوی و شمیم لطیف تازگی از اثرش استسمام می شود .

نگرش به مسائل هند ، سطحی نیست . مثلاً :

آنجا که به موضوع فن آوری جدید و رایانه و آی . تی . هند می پردازد ، همه جانبه ، آن را می کاود و با چین و ایران در ترازوی قیاس می نهد . یا جایی که به مناسبت بحث از استعمار - که نه - استثمار

چپاول جویانه ی انگلیس سخن می گوید به علت اهمیت وجودی قهرمان چپاول ستیز هند ، گاندی کبیر ، و اثر گذاری عمیق شخصیت و خدمات او در استقلال و سرنوشت آن خطه ، سرگذشتی جامع از وی به دست می دهد و با اکرام و اجلال ، از منش والا و همت بلند او داد سخن می دهد و به احترام جلال آل احمد و یادکردی از او نقل قول وی از شخصیت گاندی را هم تضمین وار می آورد .

توصیفات و وقایع را برای ما عینیّت می بخشد و آن ها را عملاً پیش نظر ما مجسم می کند. مثلاً تندی شدید و سوزندگی غذای هند را چه زیبا ترسیم می کند:

گوشه ی انگشت کوچکم را به خورش آغشته کردم
و سرزبانم زدم: آن چنان تند بود که دود از کله ام برخاست!
یا آنجا که مبالغه وار می گوید:

وضع طوری شده بود که بستنی هم که می خوردیم احساس
می کردیم طعم فلفل می دهد. یا آنجا که با اصطلاحات خودمانی،
کلامش را نمکین می کند:

[موقع خوردن غذای هندی] همیشه «هاها» می کردیم.

لطفات طبع و هنردوستی آقای واعظی به حسگری می ماند

که همه ی یافته ها را از درونش به نوشتارش بازتابش می دهد:

✽ با دیدن نام شیراز بر سر در هتلی، بسیار مشغوف
می شود.

✽ با دیدن تابلوها، فرش ها، مجسمه ها و نقش های بدیع
هنری، فریاد شوق برمی کشد.

✽ وفامندی و عشق عمیق، پاک و شگفت شاه جهان به
همسرش، ممتاز بانو، که موجد بنای زیبا و عظیم تاج محل به
منزله ی نماد و تجلیگاه این علاقه ی افسانه وار می شود و تبلور
عشق و معنویّت زن شرقی در سازندگی چنین هنر شگرفی و قیاس
آن با سبکسری و هوس مداری و کثرتفکاری زن تبه کردار
غربی - تائیس - که برانگیزاننده ی حس انتقام خواهی سربازان
مست خردوانهاده ی یونانی می شود و مسبب آتشرنی و ویرانگری

تخت جمشید ، این سند ارزشمند و فخر آور هویت و تاریخ و فرهنگ و اقتدار ایرانیان می شود ، نویسنده را بر آن می دارد که اذعان کند :
تاج محل از این نظر حتماً جزء عجایب جهان است .

❖ یا : بطور می شود از گرسنگی ، پوستی بر استخوان کشید و مقابل انسان های چاق و شکم گنده از صمیم قلب ، تواضع و کرنش کرد ؟
چطور می شود حتی سایه ات را نجس کننده بدانند و تو را از سگ و خوک و گاو ، حقیرتر و پست تر بدانند اما بخندی و شاد باشی ؟

❖ یا : رقصیدن بر لبه ی شمشیر و پایکوبی بر تخت پرمیخ ، موجی از غم به دلمان می نماند .

❖ یا : با دیدن قفس های تنگ و کوچک با میله های زمخت ، دل آدم می گرفت .

❖ یا : آن گاه که با تأثر فراوان از تحسین و الام « نجس ها » و زندگی نکبت زا و رنج آور آنان سخن می گوید .

وی در عین احساس ورزی و عطوفت ، دقیق است و کلامش مبتنی بر انگاره و پنداره نیست : مستند و پژوهشمندانه سخن می گوید :

❖ ۷۴۵ نفر از اهل ادب ، دانش و فرهنگ که در دوره ی صفوی (نزدیک به دو قرن و نیم) از ایران به هند رفته اند شناسایی شده اند .

❖ کتاب های فارسی که تنها یک ناشر هندو مذهب در قرن نوزدهم منتشر کرد از کل کتاب های فارسی که در این قرن در ایران منتشر شد بیشتر بود .

❖ ۶۰ واژه‌ی فارسی به عنوان نمونه ذکر می‌کند تا تأثیر زبان و ادبیات فارسی در زبان و فرهنگ هند را اثبات کند و نتیجه بگیرد که :

امروزه بدون دانستن زبان و ادبیات فارسی ، شناخت کامل فرهنگ و ادب هند ممکن نیست . اگر عرصه‌ی هشتصد سال زبان فارسی در هند ، حاصلش تنها درخشش امیر خسرو دهلوی - که به سعدی هند مشهور است - و تاگور - که حافظ هند است - باشد ، کفایت می‌کند .

❖ نویسنده ، حمایت ددصفتانه‌ی ملی‌گرایان هندو علیه اقلیت مسلمان شهر احمدآباد و زنده سوزاندن کودکان و مثله کردن فجیع مردان و تعدّی شنیع دسته‌جمعی به زنان و سپس کشتار آنان به رهبری پاسبانان پشتیبان جانیان را مستند به گزارش سازمان دیده بان حقوق بشر بیان می‌کند .

با چشمی ریزنگر و دیدی جامعه‌شناسانه ، ژرفنای موضوعات اجتماعی هند را کالبد شکافی می‌کند :

❖ راجع به آثار هنر و معماری هند ، منتقدانه و صاحب‌نظرانه به داوری می‌پردازد .

❖ از نبود بهداشت سخن می‌گوید : دست‌های آلوده ، پشه‌های سرگردان ، ظروف کثیف .

❖ شهرک‌های سینمایی ، مشغول تولید فیلم برای سینما و ۴۰ شبکه‌ی تلویزیونی اند تا عطش سیری ناپذیر مردم هند را با نمایش آرمان‌ها و آرزوهای فروخورده‌ی شان فرونشاندند .

✽ دولت هند ، شعار « هر نفر نیم لیتر شیر در روز » را با عنوان انقلاب سفید طرح کرده و توانسته است مصرف شیر را در سبد غذایی خانواده ها تثبیت کند .

✽ صبح ها پسر بچه های دو چرخه سوار با سوت های متفاوت که هر کدام ، معنای خاصی می دهد شیر ، روزنامه یا نان تازه توزیع می کنند .

نویسنده به تاریخ هند و شاهان مغول و اعتلای شعر و ادب و موسیقی و معماری و نقاشی در آن دوران می پردازد که خواننده را به یاد موضوع مشابه ، در ایران یعنی میل داغ کشیدن در چشمان امیر مبارزالدین محمد به امیر پسرش ، شاه شجاع و این بیت حافظ می اندازد :

آن که روشن بد جهان بینش بدو / میل در چشم جهان بینش کشید

نویسنده ، دانشگاه های هند و ایران را در کفه ی سنجه ی قیاس می نهد و اگر چه منزلت علمی برخی از دانشگاه های هند را فرو پایه تر از دانشگاه های ایران می داند ، این مزیت تحصیلات عالیه ی هند را ارزشمند می بیند که مطالعات و پژوهش های کاربردی دانشگاه های آن در صنایع و کشاورزی هند اعمال می شود و ثمره اش پیشتازی های علمی و فن آوری این کشور است .

همچنین آنجا که از قول راهنمای هندی شرکت گردشگری ،

این جمله حکیمانه را می گوید :

« ما همه چیز تولید و صادر می کنیم تا بتوانیم نفت وارد

کنیم ، برعکس شما که نفت صادر می کنید تا بتوانید

همه چیز وارد کنید .»

اغلب زبانش به طنز می گراید :

✱ فقر آشکار و رنگین مردم

✱ خیابانی که نمی توان آن را از پیاده رو تفکیک کرد .

✱ چه بسا افرادی دیدیم که لباس تنشان ۱۰ روپیه ارزش

نداشت اما مجله ای به همان قیمت در دست داشتند

و مطالعه می کردند .

✱ یا آنجا که از توفیق زمامداران هند در تشویق مردم

به بهره بری از فناوری های جدید سخن می گوید :

مردان و زنانی را می بینید که لباس مندرسی به تن دارند

و حتی پابرهنه اند اما در حال حمل صفحه ی نمایشگر رایانه یا

جعبه ی آن یا چاپگرند .

آقای واعظی از اجرای رسالت نویسنده ی متعهد نیز غفلت

نمی کند و به خواننده ی اثرش غیرمستقیم اندرز می دهد : به نبی از

منکر می پردازد و او را از اسراف پرهیز می دهد و می گوید :

[در خیابانهای هند] هیچ جا لامپ اضافی روشن نیست .

حتی مغازه دارها در هاله ی لامپ کم نوری نشسته اند و اگر مشتری

وارد مغازه ی آن ها بشود چراغ ها را روشن می کنند .

در پایان با مطرح کردن پرسش هایی ، جایگاه تحقیقات

انجام نشده در مورد این کهن بوم خاستگاه تمدن را برای محققان

بعدی مشخص می کند که امید است خود به تکمیل این مهم

اقدام ورزد .